

نکاتی پیرامون سبک شعر فارسی در دوره تیموری

اثر: دکتر اسماعیل حاکمی

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۶۵ تا ۷۴)

چکیده:

در نیم قرن اول دوره مغول، به علت مصائب پیاپی که بر ایران و ایرانیان وارد آمد زبان فارسی تا حدودی راه انحطاط و سستی پیمود. دوره‌ای که مورد مطالعه ماست از آخرین سالهای قرن هشتم آغاز شده، تا چند سالی از آغاز قرن دهم امتداد می‌یابد. توجه به علم و ادب و هنر به وسیله امرا و امیرزادگان تیموری امری است که گویی جزو فطرت و خوی طبیعی آنان بود. از انواع شعر که در عهد تیموری زیاد مورد توجه و علاقه شعرا بوده غزل است. غزلهای این عهد بیشتر متضمن افکار و مضامین دقیق بود.

واژه‌های کلیدی: شعر فارسی، تیموری، غزل، انحطاط، قرن هشتم.

مقدمه :

در نیم قرن اول مغول بقایای علما و ادبای پیشین و وجود چند پناهگاه از فنای قطعی علم و ادب در ایران پیشگیری کرده و بعد از این مدت فرصت مناسبتری برای ادامه علوم و ادبیات در ممالک اسلامی حاصل گشت و سنت دیرینه مسلمین ایرانیان مسلمان را به استفاده از تعلیمات بازماندگان علما و ادبای دوره خوارزمشاهی واداشت. لیکن هرچه از خمله مغول بیشتر گذشت رونق بازار علم و ادب رو به کاستی و نیستی نهاد. اوایل این عهد از وجود چند شاعر و نویسنده بزرگ برخوردار بود و بعد از آن شاعران و نویسندگان متوسطی در ایران به سر می بردند که از میان آنان حافظ به طور استثناء در زمره شعرای درجه اول ایران و از نوابغ بزرگ شعر است که در آخر این عهد می زیست. حافظ که اواخر حیات او مصادف با اوایل عهد تیموری بود. غزلهایش از بهترین نمونه های سخن فارسی و از عالیترین علو فکر و طبع نژاد ایرانی است که حتی در تاریکترین ادوار هم از نورافشانی بازمانده است. (تحول نظم و نثر فارسی، دکتر صفا)

در این دوزه به علت مصائب پیاپی که بر ایران و ایرانیان وارد آمد. زبان فارسی تا حدودی راه انحطاط و سستی پیمود: دوره ای که مورد مطالعه مناسب است از آخرین سالهای قرن هشتم آغاز شده، تا چند سالی از آغاز قرن دهم امتداد می یابد. توجه به علم و ادب و هنر به وسیله امرا و امیرزادگان تیموری امری است که گویی جزو فطرت و خوی طبیعی آنان بود. مثلاً درباره شاهرخ نوشته اند که: «پیوسته پیرامون مجلس عالی افاضل موالی و اماتل اهالی حاضر بودند و در فواصل اوقات و فواصل ساعت به مباحثه علوم دینی و مذاکره علوم یقینیه و قرائت کتب تفسیر و حدیث و فقه و تواریخ اشتغال می نمودند.» (تاریخ ادبیات ایران، صفا)

عنایت شاهزادگان تیموری به ادب و هنر و مسائل علمی از جمله مطالب قابل توجه در این عهد است: ابراهیم سلطان بن شاهرخ خطاطی ماهر بود؛ میرزا بایسنقر

پسر دیگر شاهرخ خطاطی هنرمند بود، شعر می‌گفت، به کتاب و جمع‌آوری آن علاقه خاص داشت و درگاه او پناهگاه اهل فضل و ادب و هنر بود.

الغ بیگ پسر شاهرخ به علم و مجالست با علما، توجه و اهتمام داشت. آخرین پادشاه مقتدر تیموری سلطان حسین بایقرا از مشوقان معروف ادب و ادبا بود همچنین در پایان این عهد، وزیر دانشمند، امیر علیشیر نوائی خود شاعر بود و به معاشرت با شاعران و اهل ادب رغبت داشت.

در شعر فارسی این دوره به رسم شاعران قرن هشتم بعضی از لغات ترکی و مغولی می‌یابیم و حتی در دیوانهای بعضی از شاعران زمان مانند قبولی و قاسم انوار چند غزل یا قطعه ترکی آمده و یا معلقات ترکی و فارسی گنجانیده شده است. نمونه‌ای از واژه‌ها و ترکیبهای ترکی که از آن زمان در زبان فارسی راه یافته به این قرار است: پراق (ساز و برگ) - یورت (سرمنزل) - قشون (سپاه) - یورش (هجوم) - قاپچی (حاجب) - قوشچی (بازدار) - آذوقه (توشه) - چپاول (غارت) - تالان (تاراج) و غیره.

بطور کلی می‌توان ویژگی‌های زبان فارسی آن دوران را اعم از لفظی و معنوی به این شرح خلاصه و تقسیم‌بندی نمود: ۱- پیدا شدن کلمات ترکیبهای نادرست در زبان فارسی که عامل اصلی آن وجود برخی پارسی‌گویان و نویسندگان کم مایه بود. این امر موجب شد تا زبان فارسی در آثار ادبی دوران تیموری دستخوش تحولات بسیار گردد.

عبدالرحمن جامی که از استادان مسلم این روزگار به شمار می‌رود به این موضوع اشاره کرده و گفته است:

شعر در نفس خویشتن بدنیست	پیش اهل دل این سخن رد نیست
پیش ازین فاضلان شعر شعار	کسب کردی فضائل بسیار
وه کزیشان بجز فسانه نماند	جز سخن هیچ در میانه نماند

هر که مخدول و خاسرش خوانند خوشتر آید که شاعرش خوانند
 ۲- ضعف تألیف در کلام گویندگان و تسامح آن نسبت به رعایت قواعد دستوری
 چنانکه در شواهد زیر مشاهده می شود:

به زندانِ دوری بسازم ضروری چو از گلشن وصل بویی ندآرم
 (شاهی)

که در این بیت، شاعر (ضروری) را به جای به ضرورت یا ضرورتاً به کار برده
 است.

کاشکی دانستمی از دل گناه خویش را تا به مژگان پاک می کردیم راه خویش را
 (آذری)

که شاعر در مصراع دوم به جای می کردم، فعل جمع (می کردیم)، را آورده، حال
 آنکه در مصراع اول فعل را مفرد آورده است. نظیر این گونه خطاهای زبانی و
 استواری، رواج فعل وصفی نادرست در بیشتر آثار و منظوم و منظوم این دوره به
 میزان فراوان وجود دارد.

۳- شعر فارسی در قرن نهم بر روی هم متمایل به سادگی و روانی بود. حتی
 برخی از شاعران مقلد و مصنع اشعار ساده فراوانی داشتند به طوریکه مجموع آنها
 به مراتب بیشتر از اشعار دشوارشان بود.

۴- نکته سنجی و مضمون آفرینی - همراه با سادگی بیان، شاعران به نکته یابی و
 نکته گویی توجه بسیار داشتند، اما این نکته یابیها گاه با بیان عبارتهای نامفهوم همراه
 شده است: یکی از شاعران آن دوره به نام علی آتشی گفته است:

شعری که بود ز نکته ساده ماند همه عمر یک سواده

اینک نمونه هایی از نکته سنجی های شاعران این دوره:

مشام خلق پراز نکهت وفا گردد به هر دیاز که از خاک من غبار برند
 (عصمت بخارایی)

ز ضعف دل چو سویت می نویسم نامه می ترسم

که روزی ویش را بریال مرغ نامه بر بندم

(امیرشاهی)

۵- آرایشهای لفظی و معنوی در اشعار - هر چند در این دوره، شعر متمایل به سادگی است، اما در همان حال، علاقه خاصی به آرایشهای لفظی و معنوی در میان گویندگان زمان ملاحظه می شود.

مقصود از آرایش معنوی کلام، توجه خاص شاعران به ایراد تشبیهات و استعارات و مجازها و مخصوصاً زیاده روی در ایراد مضامین دیریاب و نکته های باریک در شعر و توسل به خیالات و ایجاز و اطنابها در ذکر معانی و امثال اینهاست. منیثاً اصلی افراط در غالب این آرایشهای معنوی، مبالغه در مضمون سازی بود که در این دوره رواج داشت. در مورد الفاظ هم علاقه دسته ای از شاعران این عهد به تصنع و آرایشگری، کار را به سستی و ابتدال کشانده بود. در واقع تصنع وسیله مهارت در شعر بود و این ادامه روشی است که در قرنهای هفتم و هشتم هجری نیز رایج بود.

نمونه ای از این تکلفها و تصنعا ابیات زیر از قصیده طولانی ابن حسام است:

بنده مولا والی والا بر همه اعلا وز همه اقدم

هم به تصوف هم به تکلف هم به نظافت هم به لطافت

جوهر ازهر جان منور جسم مُطَهَّر روح مُجَسَّم

دو بیت اخیراً از این قصیده را اینگونه نیز می توان خواند:

هم به تصوف جوهر ازهر هم به تکلف جان منور

هم به نظافت جسم مُطَهَّر هم به لطافت روح مُجَسَّم

(از سعدی تا جامی، ادوارد براون)

اهل شیرازی یکی دیگر از شاعران این عهد مثنوی "سحر حلال" را ساخت

"چنانکه مجمع البحرین و تجنیسات به یکجای جمع آمدند و با وجود این تکلیف لزوم مالایلزوم و ذوقافیتین هم ملازم آن کرد و آن مثنوی چنین آغاز می شود:

ای همه عالم بر تویی شکوه

رفعت خاک در تو بیش کوه
 که هم بر وزن "فاعلاتن فاعلاتن فاعلن" و هم "مفتعلن مفتعلن فاعلن" خوانده می شود (ذوبحرین)، و هم دو قافیتین است و هم دارای جناس.

۶- از دیگر ویژگی های شعر این دوره تقلید شاعران از گویندگان پیشین یا معاصران است. مثلاً قصیده پردازان زیر نفوذ شیوه انوری و ظهیر و خاقانی و کمال الدین اسماعیل و سلمان ساوجی بودند و غزلسرایان نیز کوشیده اند تا سعدی، امیر خسرو دهلوی، حافظ و کمال خجندی را مقتدای خود شمرده غزلهای آنان را پاشخ دهند. همین تقلید و نظیره گویی شعرا را در مورد مثنویهای عاشقانه و عارفانه و ده نامه ها و حماسه های دینی یا تاریخی نیز می بینیم.

نورالدین عبدالرحمن جامی بهترین منظومه های عاشقانه این دوره را به نام یوسف و زلیخا و لیلی و مجنون سروده است که هر دو نظیره گویی است بر نظامی نخستین بر خسرو و شیرین و ثانوی بر لیلی و مجنون او.

۷- ورود مسائل عرفانی در شعر این دوره، مخصوصاً در غزلها معمول بود و شاعرانی مانند سید نعمت... ولی و قاسم انوار و جامی به سرودن منظومه های عرفانی دست می زدند. (شعر فارسی در عهد شاهرخ، احسان یارشاطر)

۸- از انواع شعر که در عهد تیموری زیاد مورد توجه و علاقه شعرا بوده غزل است. غزلهای این عهد بیشتر متضمن افکار و مضامین دقیق بود. شاید یکی از علل این امر، توجهی باشد که ایرانیان بعد از حمله مغول به امور معنوی پیدا کرده و از عوالم مادی منصرف گشته بودند. این امر باعث گردید که به تدریج، شعرا به اوهام و خیالات باریک و دقیق بیشتر متوجه شوند و تخیلات دور و دراز را در الفاظ کم

بگنجانند. با توجه به این معنی باید گفت که در عهد تیموری مقدمات ظهور سبکی که بعداً به سبک هندی معروف شده فراهم گردید. البته این باریک اندیشی‌ها پیش از آن توسط شاعرانی مانند وحشی بافقی و بابا فغانی شیرازی در شعر بویژه غزل مطرح شده بود که از شیوه آنان به مکتب وقوع تعبیر می‌شود و در واقع این مکتب زیربنای سبک هندی محسوب می‌گردد.

۹- در شعر شاعران قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری عنصر لفظ در شعر به حدّ اعلای سادگی متمایل شده و برعکس دقت خیال و سعی در یافتن مضمونهای تازه به همان نسبت افزایش یافته است.

۱۰- از حوادث مهم ادبی این عصر انتشار زبان فارس در خارج از ایران بود، زیرا در نتیجه مهاجرت و مسافرت ادبای ایران، زبان فارسی در اطراف و ممالک مجاور خاصه هندوستان رواج یافت و نویسندگان و مؤلفان و سخنگویان فارسی در آن سامان پدید آمدند و این سخنگویان گذشته از هند، در آسیای صغیر (ترکیه) نیز مورد تقلید و تقدیر قرار گرفتند. در اینجا فهرست وار برخی از شاعران معروف این دوره را نام می‌بریم:

شاه نعمت ... ولی، قاسم انوار، اهلی شیرازی، عارفی هروی، امیرشاهی سبزواری، آذری، کاتبی تُرشیزی، بساطی سمرقندی، خیالی بخارائی، عصمت بخارایی و عده‌ای دیگر.

در بعضی از تواریخ و تذکره‌های این دوره حدوداً از ۱۵۰ تن از شاعران سخن رفته است.

اینک در یک جمع‌بندی کلی ویژگی‌های سبکی این دوره را خلاصه می‌کنیم:

قبلاً به چهار ویژگی مهم ادبی دوره مغول اشاره می‌کنیم:

۱- رواج غزل و کساده بازار قصیده‌سرایی.

۲- توجه بیشتر شاعران به عرفان و تصوف

۳- رواج تاریخ نویسی

۴- ورود لغات ترکی و مغولی

و اما ویژگی های ادبی دوره تیموری از این قرار است:

مضامین شعری این دوره برحسب احوال اجتماع و اوضاع سیاسی که در ایران پیش آمد نسبت به ادوار سابق اندکی تفاوت یافت. موارد مهم این تفاوتها را می توان چنین خلاصه کرد:

۱- رواج و توسعه اشعار مذهبی.

۲- رواج و توسعه فن معمّاسرای.

۳- ورود پاره ای مضامین خشک عرفانی در شعر.

۴- تقلیل اشعار حماسی.

مضامین عمده شعر این دوره را می توان اینگونه تقسیم کرد:

اشعار وصفی، عشقی، عرفانی، مذهبی، حماسی، مدحی، رثاء، بئ الشکوی، هجو، مظایبه، ماده تاریخ سرایی و غیره.

موارد وصف شامل دو قسمت می شود:

۱- وصف طبیعت و مناظر گوناگون آن از قبیل: توصیف باغ و فصول مختلف و طلوع و غروب آفتاب و ماه و ستارگان و وصف گلها و سبزه ها.

۲- وصف جمال و زیبایی معشوق.

۳- انواع شعر از لحاظ صورت شامل قالبهای غزل، قصیده، مثنوی، ترجیع بند، ترکیب بند، رباعی، مستزاد و مسمط بوده است.

۴- از عیوب لفظی اشعار این دوره نقص بیان و نارسایی عبارت است. روشنی و همواری و فصاحتی که در آثار شعرای خراسانی و عراقی دیده می شود در اشعار این دوره کمتر به چشم می خورد.

۵- عیوب معنوی در شعر این دوره عبارتند از:

۶- شاید بتوان از علل و عوامل ضعف شعر این دوره : سرخوردگی، یأس و ناامیدی، بدبینی بیش از حد شاعران و مسائلی نظیر اینها را ذکر کرد.

۷- صنایع شعری این دوره عبارت بوده است از:
اغراق، مراعات نظیر، اعنات، انواع تجنیس، ایهام، لَف و نشر، تقسیم و مانند اینها. در پایان با غزلی از شاعر معروف این عهد یعنی خیالی بخارائی به مطالب خود خاتمه می‌دهم با ذکر این نکته که شاعر و دانشمند نامدار شیخ بهایی در مخمس معروف خود این غزل خیالی را تضمین کرده است:

تاکی به تمنای وصال تو یگانه
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
خواهد به سر آمد غم هجران تو یا نه؟
ای تیر غمّت را دل عشاق نشانه
رفتم به در صومعه زاهد و عابد
دیدم همه را پیش رُخت راکع و ساجد
در میکده رهبانم و در صومعه زاهد
گه مُعتکف دیرم و گه ساکن مسجد
هر در که زدم صاحب آن خانه تویی تو
هر جا که روم پرتو کاشانه تویی تو
در میکده و دیر که جانانه تویی تو
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو
بیچاره بهائی که دلش زار غم تُست
هر چند که عاصی است زخیل خدم تُست
امیدوی از عاطفت دمبدم تُست

تقصیر خیالی به امید کرم تست یعنی که گنه را به ازین نیست بهانه.

نتیجه:

بطور کلی می توان ویژگی های زبان فارسی این دوران را اعم از لفظی و معنوی به این شرح خلاصه و تقسیم بندی نمود:

- ۱- پیدا شدن کلمات و ترکیبهای نادرست در زبان فارسی که عامل اصلی آن وجود برخی پارسی گویان و نویسندگان کم مایه بود.
- ۲- ضعف تألیف در کلام گویندگان.
- ۳- شعر فارسی در قرن نهم بر روی هم متمایل به سادگی و روانی بود.
- ۴- نکته سنجی و مضمون آفرینی.
- ۵- آرایشهای لفظی و معنوی در اشعار.
- ۶- تقلید شاعران از گویندگان پیشین یا معاصران.
- ۷- ورود مسائل عرفانی در شعر این دوره.

منابع و مأخذ:

- ۱- تحوّل نظم و نثر فارسی ، دکتر ذبیح الله صفا، انتشارات ققنوس، ص ۴۶.
- ۲- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، ج ۴، ص ۱۲۵.
- ۳- از سعدی تا جامی، ادوارد براون ، ترجمه علی اصغر حکمت، ابن سینا، ۱۳۳۹.
- ۴- شعر فارسی در عهد شاهرخ، دکتر احسان یارشاطر، انتشارات دانشگاه تهران.